

**Original Article**

**Preventing Youth Offending in England Criminal Justice System**

**Behrouz Norouzi<sup>1\*</sup>, Ebrahim Yaghouti<sup>2</sup>**

1. A Faculty Member, Department of Criminal Law and Criminology, Bileh Savar Branch, Islamic Azad University, Bileh Savar, Iran. (Corresponding Author) Email: beh.norouzi@yahoo.com

2. Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 12 Feb 2020    Accepted: 8 Jun 2020

**Abstract**

In England penal policy from the advent of the "New" Labour government in May 1997 signalled an increasing recognition of the determination to prevent youth offending. Both the crime and disorder Act 1998 and the Criminal Justice and Immigration Act 2008 and Other laws, place the prevention of youth offending as the principle aim of youth justice law and policy. The purpose of this paper, which is an analytical-descriptive method, is to examine the patterns of prevention that governs British legal policy in the justice system for children and youth. Considering the laws enacted in this system of law, the mechanisms adopted in the judicial system and the law, often indicate a tendency towards criminal and criminal measures (Criminal Response Model) and intervention in the criminal situations of children at risk of crime (a model of preventive action for growth) and has gradually diverted from early prevention policies, namely non-criminal, and support for needy children.

**Keyword:** Penal Policy; Prevention; Youth Offending; England

**Please cite this article as:** Norouzi B, Yaghouti E. Preventing Youth Offending in England Criminal Justice System. *Iran J Med Law*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 181-196.

## پیشگیری از بزه‌کاری جوانان در سیستم عدالت کیفری انگلستان

بهروز نوروزی<sup>۱\*</sup>، ابراهیم باقوتی<sup>۲</sup>

۱. عضو هیأت‌علمی گروه حقوق، واحد بیله‌سوار، دانشگاه آزاد اسلامی، بیله‌سوار، ایران. (نویسنده مسؤل) Email: beh.norouzi@yahoo.com

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۹

### چکیده

در سیاست تقنینی انگلستان، از زمان پیدایش دولت کارگر جدید در ماه می ۱۹۷۰، تمرکز ویژه‌ای بر پیشگیری از بزه‌کاری جوانان شده است. هم قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ و هم قانون مهاجرت و عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۸ و دیگر قوانین موضوعه انگلستان، پیشگیری از بزه‌کاری اطفال و جوانان را به عنوان هدف اصلی سیاست و مقررات ناظر بر جوانان در نظر گرفته‌اند. هدف این مقاله که به روش تحلیلی - توصیفی نگارش شده، بررسی الگوهای پیشگیری حاکم بر سیاست تقنینی انگلستان در نظام عدالت اطفال و جوانان است. ملاحظه قوانین مصوب در این نظام حقوقی و سیاست‌های متخذه در رویه قضایی و احکام صادره، غالباً بر گرایش به تدابیر کیفری و سزادهنده (الگوی پیشگیری واکنشی کیفری) و مداخله در وضعیت‌های مجرمانه کودکان در معرض خطر بزه‌کاری (الگوی پیشگیری کنشی رشدمدار) دلالت دارد و به تدریج از سیاست‌های پیشگیری اولیه، یعنی غیر کیفری و حمایت از کودکان نیازمند، فاصله گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست تقنینی؛ پیشگیری؛ بزه‌کاری اطفال؛ انگلستان

## مقدمه

تا پیش از تولد جرم‌شناسی، کیفر تنها سلاح مبارزه با جرم تلقی می‌شد و جوامع بشری برای کاهش بزه‌کاری، بیشتر از نظام عدالت کیفری و شدت مجازات‌ها بهره می‌گرفتند. به دنبال افزایش نرخ بزه‌کاری با وجود شدت یافتن مجازات‌ها، برخی اندیشمندان سرعت، حتمیت و قطعیت اجرای کیفر را برای کارایی بیشتر نظام کیفری در کاهش نرخ جرم پیشنهاد کردند. این امر به نوبه خود مؤثر بود، اما نظام عدالت کیفری همچنان در مهار بزه‌کاری ناتوان ماند. این موضوع تا تولد دانش جرم‌شناسی در پایان قرن نوزدهم با گسترش مکتب تحقیقی ادامه یافت (۱). در این قرن بود که شخصیت بزه‌کار به عنوان فاعل جرم به جای رفتار بزه‌کارانه او مورد توجه قرار گرفت. به این شکل، مجرم‌مداری، جایگزین جرم‌مداری شد و چنین تحولی با اعتقاد بر تفاوت علل بزه‌کاری هر گروه با گروه دیگر و لزوم به کار بردن راه‌های متفاوت برای مقابله با بزه‌کاری گروه‌های متفاوت، منجر به دسته‌بندی بزه‌کاران شد (۲).

پیشگیری از جرم (Prevention of Crime) با تولد مکتب تحقیقی و انتشار دیدگاه‌های آنریکوفری در سال ۱۸۸۱ وارد مرحله جدیدی شد؛ فری پیشگیری از جرم را با عنوان «هم‌عرض‌ها یا جانشین‌های کیفری» مطرح نمود و در کتاب جامعه‌شناسی جنایی خود، ضمن ناکافی دانستن تدابیر کیفری برای مبارزه با بزه‌کاری، مداخله پیش از وقوع جرم را با ویژگی غیر قهرآمیز، به عنوان تدابیر تکمیلی ضروری دانست (۳).

پیشگیری از جرم، یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات علوم جنایی است و جایگاه مهمی در سیاست جنایی دارد (۴). پیشگیری از نظر لغوی به معنای منع و جلوگیری آمده است. در جرم‌شناسی، پیگیری عبارت است از «به جلوی تبه‌کاری رفتن» یا استفاده از تکنیک‌های گوناگون مداخله به منظور ممانعت از وقوع بزه‌کاری است (۵). اصرار بر اولویت قراردادن پیشگیری، به معنای تعطیلی تعقیب و تدابیر واکنشی، یعنی کیفری نیست، بلکه مقصود جایگاه ویژه و اولویت پیشگیری نسبت به اقدامات واکنشی برای کاهش هزینه‌های مادی و معنوی می‌باشد (۶). توجه به مسائل اطفال و نوجوانان به ویژه آن دسته از اطفال و نوجوانانی که در معرض خطر بزه‌کاری

قرار دارند، به دلیل حساسیت ویژه دوران کودکی از اولویت برخوردار است. در مقررات پکن (Beijing Rules) از ماده ۱/۱ تا ۱/۳ به نقش و اهمیت سیاست اجتماعی سازنده برای نوجوانان، از جمله پیشگیری از جرم و بزه‌کاری نوجوانان اشاره شده است.

از آنجایی که سیاستگذاری انگلستان در حوزه پیشگیری از جرائم جوانان در سال‌های اخیر تغییر قابل توجهی پیدا کرده و جهت‌گیری این نظام حقوقی به سمت تدابیر سزادهنده بوده، ضرورتی شد تا این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

این مقاله به دنبال پاسخ به دو سؤال است: ۱- الگوهای پیشگیری حاکم بر جرائم اطفال و نوجوانان کدامند؟ ۲- نظام حقوقی انگلستان در سیاست تقنینی خود از کدام الگوها تبعیت کرده است؟

ابتدا الگوهای پیشگیری حاکم بر جرائم اطفال و جوانان و سپس سیاست تقنینی نظام حقوقی انگلستان در این ارتباط، مورد بحث قرار می‌گیرند.

## الگوهای پیشگیری حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان بزه‌کار

### ۱- الگوی پیشگیری واکنشی (کیفری و غیر کیفری)

الگوی واکنشی کیفری، عبارت است از توسل به تدابیر کیفری و سخت که در نتیجه آن، با اطفال در سطح گسترده‌ای بدون توجه به شرایط سنتی، زیستی و روانی آن‌ها، همچون بزرگسالان برخورد می‌شود و کیفر، به عنوان روشی پیشگیرنده نسبت به آن‌ها اعمال می‌شود (۷)، اما الگوی واکنشی غیر کیفری عبارت است از، توسل به تدابیر غیر سزادهنده و ملایم که اصلاح و تربیت مرتکب منظور مقنن می‌باشد. بکار، یکی از طرفداران ملایمت کیفرها بود و برای نخستین بار در باب الغای مجازات اعدام، قلم‌فرسایی کرده است (۸).

### ۲- الگوی پیشگیری کنشی (جامعه‌مدار (Social Prevention) و رشدمدار (Developmental Prevention))

پیشگیری کنشی، تدابیر و اقدامات غیر سرکوبگری را دربر می‌گیرد که پیش از ارتکاب جرم و برای مبارزه با این پدیده

بعد از ارتکاب جرم است، برنامه‌هایی که نظام عدالت کیفری جهت جلوگیری از روند تکرار جرم بر مرتکبان جرم اتخاذ می‌نماید. هدف در این برنامه‌ها، تربیت دوباره اطفال و جوانان و جلوگیری از بازگشت دوباره مجرم به رفتارهای مجرمانه بعد از خروج از نظام عدالت کیفری است (۱۰).

### پیشگیری از بزه‌کاری اطفال و جوانان در سیاست تقنینی انگلستان

۱- سیاست قوانین اطفال و جوانان مصوب ۱۹۳۳ (Children and Youth Person Act 1933) و ۱۹۶۹ (Children and Youth Person Act 1969) (الگوی پیشگیری نخستین - الگوی پیشگیری واکنشی غیر کیفری)

در انگلستان به لحاظ تاریخی، بزه‌کاران جوان درست همانند بزه‌کاران بالغ و بزرگسال مورد برخورد قرار می‌گرفتند، مجازات بیش از اصلاح مرتکب، به بازدارنگی تمرکز داشت و کودکان همانند افراد بالغ در دادگاه بزرگسالان محاکمه، بازداشت و مجازات می‌شدند.

در اواخر قرن نوزدهم تشخیص داده شد که کودکان به طور منحصر به فرد، آسیب‌پذیر (Vulnerable) هستند. متعاقباً رفتارهای مبتنی بر رفاه کودک و رفتارهای کودک - محور (Child-Centred) افزایش یافت. از این رو رفتارهای مبتنی بر رفاه و آرامش مستلزم این است که تمامی مداخلات باید در جهت برآورد کردن نیازهای افراد جوان و کم‌سن و سال باشد، نه پاسخگویی محض به کردار آنان (۱۱). از اواخر قرن نوزدهم اصول عملکرد بر طبق تمایلات کودک و تأمین رفاه کودک، موجب نگرانی دادگاه‌ها شد و توسعه سیستم‌های عدالت جوانان (Youth Justice Systems) را در سرتاسر جهان به تحلیل برد. در قرن بیستم، بزه‌کاران جوان به عنوان افراد نیازمند به حمایت و راهنمایی در نظر گرفته شدند، نه نیازمند به مجازات و تنبیه. ماده ۴۴ قانون کودکان و افراد جوان مصوب ۱۹۳۳، اصل مهم رفاه و آسایش را اعمال و هر دادگاهی را ملزم می‌کند تا رفاه و آرامش کودک یا فرد کم‌سن

اعمال می‌شود. این پیشگیری با مداخله در فرایند فعلیت‌یافتن جرم و وضعیت پیش جنایی، به دنبال کاهش نرخ بزه‌کاری است که شامل پیشگیری از طریق حذف و خنثی‌نمودن عوامل بزه‌زا و پیشگیری از طریق حذف یا تغییر موقعیت‌های بزه‌زا است. در این نوع پیشگیری، با قبول این واقعیت که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند، علت‌شناسی جرم از اولویت برخوردار است (۲).

الگوی پیشگیری کنشی به دو بخش پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشدمدار منقسم است. پیشگیری جامعه‌مدار رایج‌ترین شکل پیشگیری، شامل اقدامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیشگیرانه‌ای می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آن زندگی و کار می‌کند با هدف کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا اعمال می‌گردد (۹). پیشگیری رشدمدار، یعنی مداخله روانشناختی - اجتماعی زودرس در فرایند رشد کودکان برای جلوگیری از عوامل خطرسازی که احتمال پذیرش و تقلید رفتار مجرمانه پایدار را از سوی آن‌ها، در آینده افزایش می‌دهد (۱۰).

### ۳- الگوی پیشگیری مرحله‌ای

الگوی پیشگیری مرحله‌ای شامل پیشگیری اولیه (Primary Prevention)، ثانویه (Secondary Prevention) و ثالث (Tertiary Prevention) است.

پیشگیری اولیه یا نخستین، شامل اقدامات و برنامه‌هایی است که هدفش سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی و تغییر اوضاع و احوال و شرایط جرم‌زاست. این نوع از پیشگیری به دنبال بهبود شرایط زندگی افراد، ارتقای سطح سواد و فقرزدایی بوده و درصدد جلوگیری از انحراف اولیه است. پیشگیری ثانویه به طور خاص گروه‌های در معرض خطر بزه‌کاری را مورد توجه قرار می‌دهد و تدابیری ویژه برای این گروه‌ها می‌اندیشد. این‌ها افرادی هستند که هر لحظه امکان بروز بزه از آن‌ها می‌رود، لذا هدف این نوع برنامه‌ها، مداخله در فرایند فعلیت‌یافتن جرم است تا آن‌ها را از ارتکاب جرم بازدارند، از جمله این برنامه‌ها می‌توان به تدابیر حمایتی از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست، کودکان خیابانی و... اشاره کرد (۱). پیشگیری ثالث، برنامه‌ها و تدابیر مربوط به مرحله

تأکید می‌کند. کنوانسیون سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودکان (United Nations Convention on the Rights of the Child)، بر ضرورت توسعه یک سیستم عدالت جوانان (کودک‌محور) توسط دولت‌ها تأکید می‌کند که در آن، منافع کودک در اولویت قرار گیرد و ماهیت ذاتی کودک حفظ شده باشد. ماده ۳ کنوانسیون مذکور بیان می‌دارد: «در تمامی عملکردهای مربوط به کودکان که تحت تعهد مؤسسات اجتماعی خصوصی یا عمومی، دادگاه حقوقی، بخش اجرایی یا بخش حقوقی می‌باشند، منافع عالی‌ه کودک باید از اهمیت بالایی برخوردار باشد.» علاوه بر این، ماده ۴۰ کنوانسیون از دولت‌ها می‌خواهد که «ارزش و احترام» هر کودک مورد ادعا، مورد اتهام یا مظنون به ارتکاب بزه‌کاری را، ارتقا دهند. قواعد پکن ۱۹۸۵ توصیه کرده است که هر سیستم محاکمه جوانان، باید بر رفاه و آسایش فرد جوان و کم‌سن و سال تأکید داشته باشد. ماده ۵۲ از اصول و قواعد سازمان ملل متحد برای پیشگیری از بزه‌کاری جوانان (اصول ریاض (The Riyadh Guidelines)) ۱۹۹۰، دولت‌ها را ملزم می‌دارد که به مقرراتی که رفاه و آسایش تمامی افراد جوان را ارتقا می‌دهد، عمل کنند. بنابراین در انگلستان، دولت دارای یک تعهد قراردادی برای حفاظت و ارتقای منافع مهم جوان‌ترین شهروندان خود تا سن ۱۸ سالگی، آن هم شامل افراد جوانی که درگیر رفتار بزه‌کاری شده‌اند، می‌باشد.

از دهه ۱۹۷۰ به بعد در انگلستان، یک تغییر قابل ملاحظه در روند توجهات رسمی به رفاه و آسایش افراد کم‌سن و سالی که درگیر رفتارهای بزه‌کارانه شده بودند، وجود داشت. همان‌گونه که در ایالات متحده آمریکا نیز اتفاق افتاد، تصور نمادین «بزه‌کاران جوان (Young Offender)» تبدیل به یک روند رو به افزایش شد و واقعیت زنده و مهم از کودک «نیازمند» تیره و تار شد. این عوامل، شرایط را مهیا کرد تا تمرکز مجدد سیاست و عمل در رابطه با کودکان مسأله‌دار بر روی مجازات، کیفر و حبس کودکان اعمال گردد، اگرچه قانون کودکان و افراد جوان ۱۹۶۹، اولویت را به خانواده و هدف خود را بر مبنای کاهش جرائم افراد جوان قرار داده بود، اما بخش اعظم قانون مذکور (قانون ۱۹۶۹) هرگز عملی نشد و ایده رفاه

و سالی را که به عنوان بزه‌کار یا هر عنوان دیگری به دادگاه آورده شده را، در نظر بگیرد. ماده ۴۴ مقرر می‌دارد: «هر دادگاهی که در حال رسیدگی به کودک و یا نوجوانی است که به عنوان بزه‌کار و یا به علت دیگری در آن حضور یافته است، باید حمایت آن کودک یا نوجوان را مد نظر قرار دهد» (۱۲). ماهیت عمده اصل رفاه و آسایش، توجه و احترام به کودک است که باید از نقطه نظر عدالت (Justice) در مورد منافع کودک مورد توجه قرار گیرد (۱۳).

در سیستم حقوقی انگلستان، قانون کودکان و افراد جوان ۱۹۶۹، در راستای تأمین اهداف پیشگیری اولیه، هرگونه تمایز تعلق‌آمیز بین کودکانی که مرتکب جرم شده‌اند و کودکانی که نیازمند حمایت و مراقبت هستند را حذف می‌کند. در این قانون عوامل بزه‌کاری و محرومیت به صورت یکسان مشاهده شدند، هر دو نوع کودک اساساً از مسایل و مشکلات یکسان در عذاب بودند و نیازهای رفتاری و برخوردی یکسانی داشتند. بخش ۱(۲) قانون ۱۹۶۹ اذعان داشت که یک قرار مراقبت (Care Order) یا یک قرار نظارت (Supervision Order) می‌تواند در جایی صادر شود که فرد جوان به واسطه یک بزه‌کاری به غیر از آدمکشی مقصر باشد، البته در اینجا باید اثبات شود که بزه‌کار جوان نیاز به مراقبت و کنترل دارد، مگر این‌که به دستور دادگاه صورت گرفته باشد که در این صورت کنترل و نظارت، الزامی است.

بخش ۷(۷) قانون کودکان و افراد جوان ۱۹۶۹، با تأکید مجدد بر اهمیت پیشگیری اولیه، منعکس‌کننده یک هدف بنیادین در قانونگذاری انگلستان است که این هدف، برخورد یکسان با کودکان بزه‌کار و کودکان نیازمند بود و تمایز بین این دو را لغو نمود. پروفیسور گلانوویل ویلیامز (Glanville Williams)، این عملکرد را به عنوان مهم‌ترین جنبه واکنش حقوقی به بزه‌کاری جوانان در نظر گرفت. ویلیامز از واردنمودن کودکان به سیستم عدالت کیفری که بیشتر بر روی رفاه و آسایش بزه‌کاران متمرکز بود، نه بر روی مجازات و تنبیه آن‌ها، حمایت می‌کرد (۱۴).

مقررات حقوق بین‌الملل نیز بر اهمیت حمایت از رفاه و آسایش افراد کم‌سن و سال که درگیر رفتار بزه‌کاری شده‌اند،

قانون شکنی کند، ضرورت دارد... افراد جوان... بدون هیچ تردیدی باید با مجازات‌های شدید مواجه شوند...» (۱۷).

بخش ۳۷ قانون بی‌جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸، تمامی افرادی که در سیستم عدالت جوانان، انجام وظیفه می‌کنند را ملزم نمود که هدف اصلی، پیشگیری از بزه‌کاری کودکان و جوانان باشد. قانون مذکور، هیچ اشاره‌ای به این امر ندارد که رفاه و آسایش کودک باید در اولویت باشد. صرفاً وظیفه اولیه افراد دخیل در سیستم عدالت جوانان از جمله پلیس، پیشگیری از بزه‌کاری مجرمین جوان است و هیچ لزومی ندارد که منافع عالیه کودکان را ارتقا بخشند (۱۸)، این هدف جدید مربوط به پیشگیری از جرم و جنایت جوانان، نشانگر یک ترجیح سیاسی برای یک واکنش کیفری (Punitive Response) به رفتار افراد کم‌سن و سال بود (۱۹) که به صورت بالقوه اجازه می‌داد مسأله رفاه و آسایش جوانان را نادیده بگیرند. این هدف موجب شد تا افراد جوان و کم‌سن و سال به عنوان تهدیدی برای امنیت جامعه به تصویر کشیده شوند و سیستم عدالت جوانان، نقش پیشگیری از این تهدید را به عهده گرفت. در این موقعیت نیازهای رفاهی افراد کم‌سن و سال به فراموشی سپرده شد و صرفاً یک موضوع ثانویه گردید (۲۰).

کمیته سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودکان (United Nations Committee on the Rights of the Child) در گزارش خود، اظهار تأسف کرد که در انگلستان، منافع مهم کودک هنوز به عنوان یک مسأله اولیه در سیستم عدالت جوانان منعکس نشده است و توصیه کرد که اصل منافع عمده و حمایت از کودکان و افراد جوان لزوماً می‌بایست در تمامی سیاست‌ها و قوانین کیفری جوانان، اعمال گردد (۲۱). مهم‌ترین اقداماتی که قانون جرم و بی‌نظمی در راستای پیشگیری از بزه‌کاری جوانان و تبعیت از الگوی پیشگیری واکنشی کیفری و پیشگیری کنشی رشدمدار ابداع نمود، عبارتند از:

#### ۲-۱- تأسیس تیم بزه‌کاری جوانان (YOT: Youth Offending Team)

قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، تیم‌های بزه‌کاری جوانان را به منظور مساعدت در جهت دستیابی به

و آسایش جوانان که در راستای پیشگیری از بزه‌کاری جوانان و مشخصه برجسته این قانون بود، هرگز به مرحله اجرا نرسید (۱۵). قانون کودکان ۱۹۸۹ به ترتیب بخش (f) (۲) و بخش (۷) (۷) قانون کودکان و افراد جوان ۱۹۶۹ را که مربوط به قرار مراقبت و نظارت بود، حذف کرد. این قرارها اکنون فقط در دادگاه خانواده و فقط زمانی صادر می‌شود که ثابت شده باشد که کودک مورد نظر «از آسیب بسیار مهمی رنج می‌برد» و «خارج از کنترل والدین است» به نظر می‌رسد بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی اصل رفاه مندرج در قانون ۱۹۸۹، به حدی گسترده نیست که مجرمین جوان را شامل گردد.

این بررسی دلالت بر آن دارد که سیاست حاکم بر قوانین اطفال و جوانان مصوب سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۶۹ مبتنی بر الگوی پیشگیری نخستین (به لحاظ حمایت از کودکان نیازمند، بدون آنکه مرتکب جرم شوند) و الگوی پیشگیری واکنشی غیر سرکوبگر (حمایت از کودکان درگیر در بزه‌کاری) بوده، چراکه موضوع قوانین مذکور هم کودکان درگیر در بزه‌کاری و هم کودکان نیاز به حمایت و مراقبت بود، تا با حمایت و ارتقای سطح رفاه و آسایش آن‌ها، مانع از ورود کودکان به ورطه بزه‌کاری شده و اصلاح و تربیت آن‌ها فراهم شود.

#### ۲- سیاست قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ (Crime and Disorder Act 1998) (الگوی پیشگیری واکنشی کیفری - الگوی پیشگیری کنشی رشدمدار)

پیشرفت دولت کارگر «جدید» (New Labour Government) در سال ۱۹۹۷، نشان‌دهنده پیشرفت یک روش کاملاً کیفری در عدالت جوانان بود که در آن نیازهای رفاهی افراد کم‌سن و سال درگیر در رفتارهای بزه‌کاری و ضد اجتماعی، حاشیه برده شده و افراد جوان بیشتری به سیستم عدالت کیفری آورده می‌شوند (۱۶).

در این مقطع حاشیه‌بردن نیازهای رفاهی افراد کم‌سن و سال در گزارش رسمی و دولتی تحت عنوان «هیچ عذری پذیرفته نیست (No More Excuses)» انعکاس داده شد، در این گزارش بیان شده بود: «مجازات برای نشان‌دادن محرومیت اجتماعی برای فردی از جمله یک شخص کم‌سن و سال که

فراهم‌کردن فرصت مداخله مثبت در جهت حمایت از رفاه و آسایش آن‌ها - صادر می‌شود (۲۴). اگر دادگاه صلح با بهره‌گیری از یک مقام مسؤول محلی مجاب شود که یک یا چندین شرط ذکر شده در پایین، برای یک کودک زیر ۱۰ سال مهیا شده است، در آن صورت قرار سلامت صادر می‌شود (بخش ۱۱(۱) از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸). شرایط مذکور عبارتند از:

- کودک مرتکب عملی شده است که اگر ۱۰ ساله یا بزرگ‌تر بود، جرم محسوب می‌شد.

- قرار سلامت کودک با هدف پیشگیری از ارتکاب جرم توسط کودکی که عمل توصیف‌شده در بند بالا را مرتکب شده است، ضرورت داشته باشد.

- کودک از ممنوعیت اعمال‌شده به موجب قرار منع رفت و آمد شبانه، تخطی کرده است.

- کودک عملی را انجام داده است که باعث دلهره، آزار و اذیت دو یا چند نفر از افراد غریبه و خارج از خانواده خود شده یا احتمالاً بشود.

با توجه به این شرایط محرز است که این قرار حتی می‌تواند قبل از وقوع هرگونه عمل مجرمانه‌ای صادر شود (۲۵). قرار سلامت کودک می‌تواند کودک را تحت نظارت مقام مسؤول (مددکار اجتماعی از دپارتمان خدمات اجتماعی یا یک عضو از تیم بزه‌کاری جوانان) درآورد و کودک را ملزم نماید که الزامات مشخص‌شده در بخش ۱۱ قانون بی‌انضباطی و جرم ۱۹۹۸ را رعایت کند. بخش ۱۱ اذعان می‌دارد: «دادگاه ممکن است الزاماتی که مربوط به منافع کودک و با هدف پیشگیری از تکرار رفتارهای منجر به صدور چنین قرار، صادر می‌شود را به نحو کاملاً مطلوبی در نظر بگیرد.» تخطی از الزام تعیینی دادگاه، راه را برای مقامات محلی جهت آغاز اصول مراقبت طبق قانون کودکان ۱۹۸۹، باز خواهد کرد. معیار دلیل و مدرک قابل استناد برای صدور قرار سلامت کودک، درست همانند فرایند مدنی است (بخش ۱۱(۶) از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸). از این رو این حکم به نظر می‌رسد که به روش مشابه با قرار نظارت طبق بخش ۳۱ از قانون کودکان ۱۹۸۹ عمل کند. به هر حال تفاوت مهم بین این دو قرار،

هدف عالی پیشگیری از بزه‌کاری جوانان، ایجادکردن تیم بزه‌کاری جوانان (YOT) متشکل از نمایندگان از پلیس، مقامات مسؤول آموزش، بهداشت و مقامات محلی بوده و تضمین می‌کند که اشخاصی متخصص و آموزش‌دیده به طور منظم، برای مقابله با مجرمین جوان با یکدیگر همکاری می‌کنند تا مسأله بزه‌کاری آن‌ها را حل کنند. قلمرو YOT افراد جوان ۱۷-۱۰ ساله که مرتکب جرم می‌شوند یا در معرض خطر ارتکاب جرم بودند و همینطور افراد زیر ۱۰ سال را شامل می‌شود. YOT مسؤولیت اولیه هماهنگی خدمات عدالت جوانان را در یک محدوده جغرافیایی به عهده دارد و خدماتی را که از سوی مقامات محلی مطابق بخش برنامه‌ریزی عدالت جوانان تعیین گردیده، برای کودکان و افراد جوان در معرض خطر بزه‌کاری یا افراد درگیر در رفتارهای بزه‌کارانه، انجام می‌دهند (بخش ۴۱ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸). نقش YOT برای ممانعت از جرم و جنایت جوانان به واسطه اهداف دوگانه تعیین‌شده از سوی هیأت عدالت جوانان که شامل تقلیل آمار مجرمین جوان و تضمین این‌که هدف اصلی خدمات، افراد جوان در معرض خطر ارتکاب بزه هستند، مشخص می‌گردد (۲۲). هدف YOT ارائه دامنه گسترده‌ای از برنامه‌هایی است که با رفتار بزه‌کاری در سطوح مختلف پیشرفت آن، مرتبط بوده و مانع از تحقق آن‌ها می‌شود. YOT در ایجاد و ارائه طرح‌هایی برای فعالیت هدفمند افراد جوان در معرض خطر بزه‌کاری، پیشرو است. نمونه‌هایی از طرح‌های مذکور که از ابداعات قانون جرم و بی‌نظمی هستند و با اهداف پیشگیرانه وارد سیستم عدالت کیفری انگلستان شده، عبارتند از: ۱-۲-۱- قرار سلامت کودک (Child Safety Order):

یک مقام مسؤول محلی ممکن است طبق بخش ۱۱ از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، قرار سلامت را برای کودک اعمال کند. قرار سلامت کودک برای حمایت از کودکان زیر ۱۰ سال که خطر درگیر شدن در جرم و جنایت آن‌ها را تهدید می‌کند یا کودکانی که رفتارهای مجرمانه یا ضد اجتماعی از خود نشان داده‌اند و احتمال بزه‌کاری شان زیاد است، پیش‌بینی شده است (۲۳). قرار سلامت کودک اقدامی است در جهت پیشگیری از بزه‌کاری کودکان در معرض خطر ارتکاب جرم - با

قطعاً پاسخ منفی است و شاید افزایش منابع و سرمایه‌گذاری‌ها در جهت حمایت از کودکان نیازمند و خانواده‌های آن‌ها، بسیار مفید و مؤثر واقع گردد (۲۸).

۱-۲-۲- طرح منع رفت و آمد شبانه کودکان (Child Curfew Scheme): برای این‌که مقام مسؤول محلی قادر باشد که از جرائم جوانان پیشگیری کند، بخش (۱) ۱۴ از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ به مقام محلی اجازه می‌دهد که طرح منع رفت و آمد شبانه کودکان را اجرا کند. چنین طرحی، یک ممنوعیت برای تمام کودکان زیر ۱۰ سال برای حضور در یک مکان عمومی، در یک محدوده خاص و در طول ساعات تعیین شده که به همراهشان یک فرد بالغ ۱۸ ساله یا بزرگ‌تر نباشد، صادر می‌شود (بخش (۲) ۱۴ از قانون جرم و بی‌انضباطی). هدف طرح منع رفت و آمد شبانه کودکان، ممانعت از حضور شبانه کودکان در اماکن عمومی بدون اعمال نظارت و به وجود آوردن «آشوب یا آزار و اذیت برای اجتماعات محلی است» (۲۴).

مقنن انگلیسی به منظور توسعه قلمرو این قرار به موجب بخش ۴۸ و ۴۷ قانون پلیس و عدالت کیفری ۲۰۰۱ (Criminal Justice and Police Act 2001)، محدودیت سنی طرح‌های منع رفت و آمد شبانه را تا سن پانزده سالگی افزایش داد. قانون ۲۰۰۱ همچنین به مأموران ارشد پلیس و همینطور مقامات محلی اجازه داد که از طرح منع رفت و آمد شبانه کودکان استفاده کنند. این طرح با هدف حفظ نظم و حمایت از جامعه محلی از آشوب و آزار و اذیت احتمالی شبانه افراد جوان دخیل در رفتار ضد اجتماعی و همچنین حمایت از کودکان کم‌سن و سالی که بدون اعمال نظارت در خیابان‌ها پرسه می‌زنند و ممکن است در معرض آسیب یا درگیر در بزه‌کاری باشند، پیش‌بینی شده است.

مقامات محلی (Local Authorities) می‌توانند این ممنوعیت را با این هدف که چنین کودکانی در خطر مشارکت در رفتار بزه‌کارانه هستند، اعمال کنند. هیچ ضمانت اجرای کیفری برای کودکانی که از قرار منع رفت و آمد شبانه تخطی کنند، وجود ندارد، این نهاد صرفاً برای حمایت از کودکان و کاهش خطر ارتکاب آن‌ها به بزه‌کاری یا رفتارهای ضد

یعنی (قرار سلامت کودک و قرار نظارت) این است که حداکثر مدت زمان قرار سلامت کودک، سه ماه است، مگر این‌که شرایط، یک مدت زمانی کلی دوازده ماهه را ملزم کند (بخش (۳) ۱۱ از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸)، در حالی که قرار نظارت طبق قانون کودکان ۱۹۸۹ (Children Act 1989) به مدت ۱۲ ماه طول می‌کشد و امکان دارد که تا سه سال هم افزایش یابد.

قرار سلامت کودک بر مبنای این عقیده استوار است که مداخلات اولیه، مؤثرتر از منتظرماندن تا زمانی است که کودک به اندازه کافی بزرگ شود تا بتوان او را به سیستم عدالت جوانان ارجاع داد (۲۶) و این‌که قرار مذکور «کودکان را از لغزیدن به سوی عادات جنایی (Criminal Habit)» مانع می‌شود (۲۳). بخشی از ایده شکل‌گیری قرار سلامت کودک، حمایت از کودکان است. مقامات مسؤول این نظر را دارند که کودکان کم‌سن و سال، نباید تا دیر وقت در بیرون از خانه بمانند و نباید درگیر رفتارهای بزه‌کارانه شوند. بنابراین این قرار با ارائه فرصتی برای مداخله مثبت جهت حمایت از رفاه کودکی که ظاهراً در معرض خطر مشارکت و دخالت در جرم و بزه‌کاری است، مکمل مفاد قانون کودکان ۱۹۸۹ است (۲۷).

با تأکید بر نقش والدین در شکل‌گیری بزه‌کاری جوانان، چه به دلیل فقدان کنترل و چه به دلیل فقدان علاقه باشد، مسؤولیت ناشی از جرم به وضوح نه بر عهده فرد جوان، بلکه به عهده واحد خانواده است. به هر حال پیامد قرار سلامت کودک این است که کودکان زیر ۱۰ سال که مرتکب بزه‌کاری شده‌اند یا ممکن است بشوند، علی‌رغم این حقیقت که پایین‌تر از سن مسؤولیت کیفری قرار دارند و نباید به خاطر امر کیفری مقصر شناخته شوند، مورد مؤاخذه و مجازات قرار خواهند گرفت. بنابراین قدری نامتعارف به نظر می‌رسد که کودک در دادرسی مدنی، متعهد و مسؤول قلمداد شود. فیوندا، معتقد است که هدف قرار سلامت کودک «صرف نظر یا چشم‌پوشی کردن از حداقل سن مسؤولیت کیفری است.» همچنین این مطلب سؤال‌برانگیز است که آیا احکام کیفری بهترین وسیله برای کنترل کودکان زیر ۱۰ سال و پیشگیری از ارتکاب بزه‌کاری آن‌ها و یا رفتارهای مزاحمت‌آمیز آن‌هاست یا خیر؟



اذیت (احتمالاً) به واسطه فعالیت‌های ضد اجتماعی افراد کم سن و سال وجود دارد - ضرورت دارد. رفتار ضد اجتماعی، رفتاری است که موجب بروز دلهره یا آزار و اذیت شده یا احتمالاً خواهد شد و شامل رفتارهایی است که افراد را از جرم می‌ترساند (بخش (a) ۱۹(۱) قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸). این قرار در رابطه با رفتارهایی است که «به قدری مزاحمت بار است که یک تأثیر ناخوشایند بر همسایگان یا دیگر افراد دارد...» (۳۱). دستورالعمل قانونی استفاده از ASOB بیان می‌دارد که هیچ ضرورتی برای اثبات این وجود ندارد که متهم قصد داشته که ایجاد دلهره یا آزار و اذیت کند و صرف احتمال، برای صدور چنین قرار کافی است (۳۲). این امر به صورت مؤثری می‌تواند ضرورت عنصر معنوی را از بین ببرد و به مقامات محلی اجازه می‌دهد که یک رویکرد انعطافی، نامعین و متغیر را در استفاده و اجرای قرار ASBO بپذیرند (۳۳). نکته مهم، تشخیص رفتار ضد اجتماعی است. در این خصوص کمیساریای اروپایی حقوق بشر اعتقاد دارد که تشخیص آنچه که رفتار ضد اجتماعی است، مشروط شده است به دیدگاه‌های ذهنی مربوط به گروه مشخصی. برخی دیگر از صاحب‌نظران بیان داشته‌اند که تعریف رفتار ضد اجتماعی «فقط به تصورات یک فرد محدود می‌شود» (۳۴) و می‌تواند به مفهوم این باشد که «هرچه قربانی می‌گوید، منظور همان است» (۳۵).

هدف از ASBO، نشانه‌گرفتن رفتار ضد اجتماعی افراد ۱۰ ساله و بالاتر است. یک شاکی حقیقی نمی‌تواند از دادگاه صلح برای صدور قرار رفتار ضد اجتماعی بهره گرفته و متوسل شود. اگر فردی بررسی کند که نیاز به صدور این قرار دارد، باید به مقام محلی یا پلیس اطلاع و از آن‌ها بخواهد. اگر هیچ کدام از این دو بخش تصمیم نگرفتند که قرار رفتار ضد اجتماعی را صادر کنند، در آن صورت فرد می‌تواند به دنبال راه‌کار دیگری یعنی رجوع به دادگاه باشد. قرار رفتار ضد اجتماعی، متهم را از انجام هر چیز مندرج در قرار، باز می‌دارد. این قرار برای یک دوره زمانی بالای دو سال به طول می‌انجامد و فقط می‌تواند عملی را مورد ممانعت قرار دهد، این قرار نمی‌تواند عمل‌های مثبتی را که باید صورت پذیرند، مشخص

اجتماعی پیش‌بینی شده است (۲۹). در جایی که کودک از قرار منع رفت و آمد شبانه تخطی کند، مقام محلی باید آگاه شود و به سرعت علت تخطی از آن را مورد بررسی قرار دهد. این بررسی ممکن است مشخص‌کننده نیاز به خدمات حمایتی طبق قانون کودکان ۱۹۸۹ یا زمینه کافی برای اعمال قرار سلامت کودک باشد.

از آنجایی که این قرار حتی می‌تواند در جایی که کودکان در محدوده مورد نظر هیچ جرمی را انجام نمی‌دهند، صادر شود، لذا قابل بحث است که این قرار، رفتارهای عادی و غیر مجرمانه کودکان را که در خیابان‌ها پرسه می‌زنند، نیز مجازات می‌کند (۳۰). این موضوع یکی از دلایلی است که باعث شده تا مقامات محلی تمایلی به استفاده از قرار منع رفت و آمد شبانه نداشته باشند. به همین جهت قانون رفتار ضد اجتماعی ۲۰۰۳، با هدف فائق‌آمدن بر این اکراه، به پلیس اختیار پراکنده کردن افراد با هر گروه سنی که در یک محدوده خاص تا ۲۴ ساعت گرد آمده‌اند را داده است. همچنین بخش ۳۰ از قانون رفتار ضد اجتماعی ۲۰۰۳ را می‌توان در جایی که عضوی از جامعه، مورد دلهره، آزار و اذیت گروهی دو یا چندین نفر در یک مکان عمومی قرار گرفت، مورد استفاده قرار داد، به شرطی که رفتار ضد اجتماعی قابل توجه و متداوم باشد.

### ۳-۱-۲- قرار رفتار ضد اجتماعی (ASBO: Anti-Social

Behaviour Order): بخش (۱) از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، اجازه می‌دهد که دادگاه صلح، قرار رفتار ضد اجتماعی (ASBO) را در صورتی که برای مقام محلی (اصطلاحاً مقام محلی یا پلیس) محرز شود که شرایط زیر در مورد هر فرد ۱۰ سال یا بالاتر مهیا بوده باشد، صادر کند:

- این‌که فرد یک رفتار ضد اجتماعی از خود نشان داده باشد، یعنی اصطلاحاً به روشی که باعث بروز دلهره، ترس یا آزار و اذیت برای یک یا چندین نفر غیر از اعضای خانواده خود شده باشد، یا احتمالاً باعث بروز آن خواهد شد.

- این‌که صدور چنین قرار برای حمایت از افراد - در محدوده محلی که در آن مردم آزاری، آشوب و دلهره و آزار و

مشارکت مدارس امن به عنوان یک برنامه هدفمند پلیس و مدرسه، در آوریل ۲۰۰۲ آغاز شد. این برنامه ابتکار مشترکی از سوی آموزش و پرورش، دادگاه اطفال و انجمن ریسان کلانتری‌ها بود. هدف این برنامه، کاهش جرم و رفتار ضد اجتماعی در درون و اطراف مدارس بود (۳۷).

### ۳- سیاست قانون اصلاح پلیس مصوب ۲۰۰۲ (The Police Reform Act 2002) (الگوی پیشگیری کنشی

#### رشدمدار)

قانون اصلاح پلیس ۲۰۰۲ به مقامات محلی یا پلیس اجازه می‌دهد که از قرار رفتار ضد اجتماعی برای متوقف کردن رفتار ضد اجتماعی و بزه‌کارانه در مراحل آغازین استفاده کنند. به طور متناوب از افراد جوان یا کم‌سن و سال درگیر در رفتار ضد اجتماعی یا در معرض خطر مشارکت در رفتارهای ضد اجتماعی ممکن است خواسته شود تا یک قرارداد رفتاری قابل قبول (ABC: Acceptable Behaviour Contract) را امضا کنند. یک ABC، در واقع یک توافق‌نامه مکتوب فردی توسط شخص جوان با پلیس یا یک نهاد همکاری‌کننده با پلیس (از جمله مقامات محلی، تیم بزه‌کاری جوانان یا مدرسه) است که مطابق آن متعهد می‌شود که رفتار ضد اجتماعی از قبیل آشوب، آزار و اذیت، آسیب‌رساندن یا سوء استفاده کلامی انجام ندهد. قراردادهای رفتاری بر حسب محتوا و قالب، قابل انعطاف و تغییرپذیر بوده و ارائه‌کننده یک وسیله مؤثر برای تشویق کودکان و والدین به مسؤلیت‌پذیری در قبال رفتارهای غیر قابل قبول می‌باشد. قرار رفتار ضد اجتماعی و قرارداد رفتاری قابل قبول، هم برای جلوگیری از رفتارهای ضد اجتماعی آینده و هم پیشگیری از تشدید یافتن رفتارهای کنونی اشخاص جوان پیش‌بینی شده‌اند (۳۸). این قرارها، ابزار قدرتمندی برای مقامات محلی در جهت تلاش برای کاهش جرم و رفتارهای ضد اجتماعی است، زیرا آن‌ها، مقامات محلی را قادر به مداخله به منظور پیشگیری از بزه‌کاری و رفتارهای ضد اجتماعی افراد ده ساله و بالاتر که در معرض بزه‌کاری هستند، می‌سازد.

کند. تخطی از قرار مذکور، جرم بوده و با جریمه نقدی یا حبس تا پنج سال قابل مجازات می‌باشد (بخش ۱۰ از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸). در پرونده مربوط به R V Manchester Crown Court, ex Parte Me Cann and Ors ([2001] 1WLR 358)، دادگاه استیناف اذعان داشت که فرایند صدور قرار رفتار ضد اجتماعی، مدنی بوده و این فرایند برای قوانین جزایی سخت و شدید، مناسب نمی‌باشد. دادگاه در رسیدگی به نقض قرار مذکور، باید در زمینه تعادل احتمالات، همچنین این‌که آیا متهم به روش ضد اجتماعی رفتار کرده و آیا قرار صادره برای حمایت از عموم در مقابل رفتار ضد اجتماعی، ضرورت داشته یا خیر تصمیم‌گیری نماید. ASBO به جرم‌شناسی رفتارهای زیرمجموعه کیفری در جایی که نقض قانون مدنی و پایین‌بودن معیار اثبات، قابل مجازات باشد، می‌پردازد. همانگونه که کمیساریای اروپایی حقوق بشر نیز بیان کرده است، «چنین احکامی بیشتر شبیه به مقررات مجازات حبس است که در آن، رفتار غیر کیفری برای افرادی که متهم به برانگیختن خشم جامعه هستند، تبدیل به رفتار کیفری می‌شود» (۳۶).

مقنن انگلیسی در قانون جرم و بی‌نظمی به ویژه با حذف اماره عدم رشد در مورد اشخاص بین ده تا چهارده ساله و ابداع راه‌کارهای فوق به کیفر و تدابیر سرکوبنده و به عبارتی سختگیری کیفری در مورد افراد جوان گرایش داشته و همین امر باعث شده در نتیجه اجرایی شدن این قانون، آمار بزه‌کاران جوان در انگلستان افزایش پیدا کند. موضوع این قانون علاوه بر برخورد با مجرمین جوان، افراد جوانی است که در خطر ارتکاب جرم قرار دارند که در این خصوص نیز با تدابیر خاص قائل بر پیشگیری کنشی رشدمدار بوده تا با در نظر گرفتن عوامل خطر و تلاش در جهت حذف آن، مانع از بزه‌کاری این گروه شود، البته در این خصوص برنامه‌هایی برای خانواده و مدارس تحت عنوان «افسران رابط مدارس»، «مشارکت مدارس امن» و... وجود دارد. افسران رابط پلیس، نیروهای استخدام‌شده ویژه بودند که کارشان، ترکیبی از آموزش کودکان و جمع‌آوری اطلاعات از دانش‌آموزان است. اولین برنامه افسران رابط پلیس در سال ۱۹۶۶ به وسیله پلیس شهر ساکس ایجاد شد. برنامه

جوانان را ملزم نمود تا به هنگام صدور حکم برای جوانان این مهم را در نظر بگیرند. این قانون همچنین دادگاه جوانان را ملزم نمود که عوامل زیر را به هنگام صدور رأی در نظر بگیرند: هدف اصلی سیستم عدالت جوانان، رفاه مجرمین، هدف از محکومیت جوانان که شامل مجازات، اصلاح و دوباره اجتماعی کردن بزه کاران جوانان است (بخش ۱۴۲ A (۳) قانون مهاجرت و عدالت کیفری ۲۰۰۸).

مقنن انگلیسی در قانون مهاجرت و عدالت کیفری ضمن اتکا بر پیشگیری مرحله‌ای ثالث، بر پیشگیری از بزه کاری مجدد جوانان از طریق مجازات مجرمین جوان تأکید دارد که منطبق با الگوی پیشگیری مرحله‌ای ثالث است.

#### ۶- مجازات والدین در قبال بزه کاری اطفال و جوانان (الگوی پیشگیری کنشی رشدمدار - خانواده محور)

در سیاستگذاری انگلستان، تحمیل مسؤولیت کیفری بر والدین در قبال بزه کاری جوانان، به دلیل این که خانواده نقش بیشتری در پیشگیری از بزه کاری جوان دارد، به عنوان یک مشخصه برجسته از قرن نوزدهم است. قانون بزه کاران جوان ۱۸۵۴، برگزاری مدارس اصلاح و تربیت از سوی انجمن‌های داوطلب برای اسکان دادن و بازآموزی اخلاقی کودکان منحرف را مجاز کرده بود. قانون ۱۸۵۴ همچنین والدین را ملزم نمود تا در زمان سکونت کودکان خود در مدارس اصلاح و تربیت هزینه آن را پرداخت کنند. قانون کودکان و افراد جوان ۱۹۳۳، اولین قانونی بود که دادگاه‌ها را مجاز می‌کرد تا والدین را ملزم به پرداخت جریمه بزه کاران جوان کند. قانون عدالت کیفری ۱۹۸۲، این فرضیه را معرفی کرد که والدین، باید مسؤول رفتار بزه کارانه فرزندان خود باشند. قانون ۱۹۸۲ به دادگاه‌ها اجازه داد تا به والدین جهت پرداخت غرامت یا توان‌های بزه کار جوان، حکم دهد. متعاقباً تا زمانی که قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ تصویب شد، ارزیابی‌های خاصی قابل دسترس بود که اعمال مجازات‌های مالی بر والدین در هنگام ارتکاب جرم توسط فرزندان آن‌ها را مجاز می‌کرد.

در گزارش رسمی و دولتی منتشر شده در فوریه ۱۹۹۰، دولت قصد و هدف خود مبنی بر تحمیل مسؤولیت رفتارهای جنایی فرزندان بین ۱۶-۱۰ ساله به والدین را بیان کرد (۴۲).

#### ۴- سیاست قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ (Criminal Justice Act 2003) (الگوی پیشگیری کنشی رشدمدار)

قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ در راستای تأمین اهداف پیشگیری از بزه کاری جوانان، یک قرار حمایت فردی جدید و نوآورانه (ISO: Individual Support Order) را معرفی کرد (بخش ۳۲۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳).

ISO توانست حمایت ارائه شده ASBO برای جامعه را با ملزم کردن کودکان و افراد جوان دارای حکم ASBO، به انجام فعالیت‌های مناسب فردی از قبیل شرکت در درمان رفتارهای سوء، ارتقا دهد. هدف عمده آن، بهسازی و ارتقای کارایی ASBO، با درگیر کردن کودکان و افراد جوان نسبت به شناسایی عوامل ریشه‌ای فعالیت‌های ضد اجتماعی آن‌ها و تلاش برای حل این مشکلات است.

پیش‌نویس دستورالعمل استفاده از ASBO که برای مشاوره و ارجاع، بلافاصله پس از تصویب قانون جرم و بی‌نظمی، بخشنامه شده بود، بیان می‌داشت که استفاده از ASBO در ارتباط با کودکان و افراد جوان باید در «حیطه کار گسترده‌تر برای پیشگیری از جرم و بی‌نظمی در بین آن گروه سنی» در نظر گرفته شود (۳۹). ASBO علیه افراد جوانی استفاده می‌شود که در اشکال بسیار جدی رفتار ضد اجتماعی دخیل هستند و یا کسانی که سابقه بلند بالایی از جرم و بزه کاری دارند (۳۸). در بین این گروه از افراد جوان، ASBO‌ها ممکن است به عنوان یک «نشان افتخار» و شهرتی که آن‌ها دریافت می‌کنند، در نظر گرفته شود که موقعیت جنایی آن‌ها را فریبندتر جلوه خواهد داد (۴۰). در حقیقت، لقب دادن «منحرف» به یک شخص جوان، فائق آمدن وی به این عنوان را مشکل می‌سازد و ممکن است فرد جوان را به پذیرش هویت جدیدش با آغوش باز، مورد تشویق و ترغیب قرار دهد (۴۱).

#### ۵- قانون مهاجرت و عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۸ (Criminal Justice and Immigration Act 2008)

(الگوی پیشگیری مرحله‌ای ثالث)

بخش ۹ قانون مهاجرت و عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۸، هدف پیشگیری از بزه کاری مجدد جوانان را ارتقا و دادگاه

قلمرو صدور قرار تعهد والدین را افزایش داد. بخش ۴۴ قانون پلیس و جرائم سازمان‌یافته جدی ۲۰۰۵، قرار غرامت والدینی را معرفی کرد. قرار غرامت والدین، قرار مدنی است که والدین را ملزم می‌دارد تا سقف ۵۰۰۰ پوند به هر فردی که اموال او توسط کودک برده شده یا مورد آسیب قرار گرفته است، غرامت پرداخت کنند. چنین قرار می‌تواند ممکن است، در جایی که یک کودک زیر ۱۰ سال باعث سرقت یا آسیب اموال شده باشد، صادر شود.

گات و رامیلا تأثیرگذاری برنامه‌های والدین را در یک تحقیق شامل ۸۰۰ والدین و ۵۰۰ فرد جوان مورد ارزیابی و در تحقیق خود متوجه شواهد و مدارک مهمی از تغییر مثبت در والدینی شدند (۴۵).

تحقیق اسکات و همکارانش نیز نشان داد که برنامه‌های والدین می‌تواند به بهبود جنبه‌های زیادی از عملکرد والدین از قبیل افزایش پاسخگویی در قبال کودکان، منجر شود (۴۶).

سیاست انگلستان از تعقیب و مجازات والدین در قبال بزه‌کاری فرزندان خود و لزوم مشارکت دادن آن‌ها در برنامه‌های والدینی با صدور قرار تعهد والدین، جلوه‌ای از الگوی پیشگیری کنشی رشدمدار (خانواده‌محور) است.

### پیامد پیشگیری از جرم جوانان در سیستم عدالت جوانان انگلستان

سولومون و گارسید (Solmon and Garside) اصلاحات وارده بر سیستم عدالت جوانان در انگلستان را از ۱۹۹۷ مورد ارزیابی قرار داده و اهداف دولت در پیشگیری از بزه‌کاری جوانان را بررسی و به این نتیجه رسیدند که با وجود ارتقای اصل پیشگیری، در عوض، آمار کودکان زندانی در انگلستان و ویلز تا بالاترین میزان کودکان زندانی در اروپای غربی، رشد یافته بود (۴۷).

کمیته سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودکان مشخص کرد که بازداشت جوانان در انگلستان و ویلز بسیار بالا بوده، زیرا در این کشور، همیشه بازداشت به عنوان یک آخرین راه چاره - طبق ماده ۳۷ کنوانسیون سازمان ملل متحد بازداشت باید به عنوان آخرین چاره باشد - مورد استفاده قرار

در این گزارش، خواسته شد که «کوتاهی والدین در پیشگیری از بزه‌کاری فرزندان خود»، یک جرم محسوب شود (۴۳).

اولین مقررات در انگلستان و ویلز که والدین را به صورت مستقیم مسؤول بزه‌کاری فرزندان خود قلمداد کرد، قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ بود. بخش ۵۸ از قانون مذکور، والدین را ملزم می‌کند که فرزندان بین ۱۶-۱۰ ساله خود را که متهم به بزه‌کاری هستند، در دادگاه همراهی کرده و هر هزینه یا جریمه‌ای را پرداخت کنند. مهم‌ترین جنبه قانون ۱۹۹۱، ابداع «تعهد و الزام» والدین است تا متعهد به اعمال کنترل و مراقبت بر رفتار کودکان خود شده و در صورت نقض تعهد به پرداخت جریمه هزار پوندی محکوم شوند. قانون عدالت کیفری و نظم عمومی ۱۹۹۴، این اختیارات را توسعه داد و والدین را ملزم نمود تا تضمین کنند که فرزندانشان به شروط مندرج حکم اجتماعی، مطیع بوده و از آن پیروی می‌کنند.

قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، بر اساس اصل مسؤولیت والدین «قرار تعهد والدین (Parental Order)» را ابداع نمود که دادگاه را قادر می‌سازد تا والدین مجرمین جوان را ملزم دارد تا در برنامه‌های والدینی شرکت کنند و در صورت ضرورت، رفتار آینده فرد جوان را به یک سبک و روش معین، کنترل کنند. برنامه‌های والدین موضوعاتی از قبیل تجربیات والدین، برقراری ارتباط و مهارت‌های مذاکره، سبک و روش ایفای وظیفه والدینی و اهمیت لجاجت و سرختی، جایزه و پاداش بوده و می‌توانست شامل یک عامل سکونتی نیز باشد. در اصل، قرار تعهد والدین، آن‌ها را ملزم به شرکت در جلسات مشاوره و راهنمایی، یک بار در هفته و حداکثر برای ۱۲ هفته می‌نماید (۴۴).

گزارش رسمی و دولتی تحت این عنوان ارائه شد «هیچ عذری پذیرفته نیست: رویکرد جدید برای برخورد با جرائم جوانان در انگلستان و ویلز» (۱۷) که بیان می‌داشت که دولت قصد دارد تا والدین را در قبال رفتار کودکان خود، مسؤول جلوه دهد.

بخش (۳) ۸۷ قانون رفتار ضد اجتماعی ۲۰۰۳، فرضیه قانونی مسؤولیت والدین را تداوم و تعیین مجازات ثابت برای والدین افراد بزه‌کار بین ۱۶-۱۰ ساله را اجازه داد. این قانون،

منافع کودک متمرکز است و کودکان با کم‌ترین احتمال برای مجازات و حبس‌شدن در مقایسه با انگلستان مواجه هستند.

شایان ذکر است که در انگلستان و ولز، به نظر می‌رسد که هدف از بخش ۳۷ قانون جرم و بی‌انضباطی ۱۹۹۸، اولویت بخشیدن به پیشگیری از بزه‌کاری افراد جوان و کم‌سن و سال در حالت کلی است، نه بزه‌کاری همه افراد. بنابراین دادگاه ممکن است یک حکم بازدارنده با هدف پیشگیری از بزه‌کاری افراد جوان صادر کند، اما الزاماً در جهت رفاه هر یک از بزه‌کاران اقدام نمی‌کند. این نظریه در پرونده Rv INNER Landon Crown Court, ex p N and S. ([2001] 1 Cr App R 343) به عینه قابل رؤیت است. در این پرونده، تجدید نظرخواهی دو جوان ۱۶ و ۱۷ ساله از رای محکومیت خود به چهار ماه حبس و قرار آموزش و تربیت به جهت استفاده از کلمات تهدیدآمیز و رفتار نادرست، از سوی دادگاه سلطنتی رد شد. قاضی Rose به بررسی بخش ۳۷ از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ پرداخت و بیان داشت که نیاز به اعمال رأی بازداشت، ممکن است بر مفاد بخش ۳۴(۱) قانون کودکان و افراد جوان ۱۹۹۳ که دادگاه را ملزم می‌دارد که رفاه و آسایش هر یک از بزه‌کاران را تأمین کند، اولویت گیرد. بنابراین علی‌رغم تضمین‌های دولت در گزارش «دیگر تساهل و اغماض پذیرفته نیست» برای حمایت از رفاه افراد جوان درگیر در ورطه بزه‌کاری، بخش ۳۷ از قانون ۱۹۹۸، به صورت بالقوه، تأثیر حکم بازداشت جوانان بر تکامل و رشد آن‌ها را نادیده می‌گیرد (۵۰).

گزارش رسمی و دولتی «دیگر تساهل و اغماض پذیرفته نیست» ادعا می‌کند که: «بریتانیا اقدام به حمایت و پشتیبانی از رفاه کودکان و افراد جوانی که با پروسه عدالت کیفری برخورد داشته‌اند، کرده است. دولت نمی‌پذیرد که هیچ تضادی بین حمایت از رفاه بزه‌کاران جوان و ممانعت از اقدام دوباره این افراد به بزه‌کاری وجود ندارد. پیشگیری از بزه‌کاری و جرم، می‌تواند رفاه و آسایش بزه‌کاران جوان را ارتقا داده و از عموم حمایت کند» (۱۷).

نمی‌گیرد (۲۱). پیامد این رویکرد بازداشت جوانان، این است که اغلب هزینه‌های هیأت عدالت جوانان (۶۴٪)، صرف اماکن بازداشت جوانان می‌شود که این هزینه ده برابر، بیشتر از هزینه پیشگیری از بزه‌کاری جوانان، تخمین زده می‌شود (۴۸). تأثیر تخصیص این بودجه در راستای پیشگیری، این است که طرح‌های پیشگیری از جرم و بزه‌کاری جوانان که توسط تیم‌های بزه‌کاری جوان ابداع شده است، افزایش و به شکل تکامل یافته اجرا خواهند شد.

علاوه بر پیشگیری از بزه‌کاری جوانان، تیم‌های بزه‌کاری جوان وظایف قانونی زیادی دارند. به عنوان مثال از آن‌ها خواسته شده است که ارائه خدمات عدالت جوانان را برای افراد نیازمند این تیم، هماهنگ کنند (بخش ۳۸(۴) از قانون جرم و بی‌انضباطی ۱۹۹۸). بخش اعظم کار گروهی تیم بزه‌کاران جوان، با بزه‌کاران شناخته شده است و پیشگیری از بزه‌کاری جوانان که هنوز مرتکب خلافی نشده‌اند، وظیفه جزئی YOT است (۳۹).

کمیساریای کودکان بریتانیا (ایالت پادشاهی) (The UK Childrens Commissioners)، در گزارش به کمیته سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودکان، نگرانی‌های خود را نسبت به رویکرد کیفری انگلستان و ویلز در مورد کودکان و افراد جوان و آمار بالای کودکان زندانی ابراز کرد (۴۹). همچنین اظهار نگرانی کردند که اصل توجه اولیه به منافع کودک در مورد کودکان درگیر در سیستم عدالت جوانان، رعایت نشده است. این گزارش برآورد کرده که درست است که بین سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶، جرم و جنایت کودکان و افراد جوان کاهش یافته، اما در طول همان دوره، تخمین زده شد که یک افزایش ۲۶ درصدی آمار کودکان مجرم و تحت پیگرد، وجود داشته است. همچنین اذعان داشتند که زندان به عنوان آخرین راه چاره در انگلستان و ویلز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و توجه خود را به سیستم عدالت جوانان اسکاتلند معطوف کرده و متوجه شدند که اسکاتلند در زمینه بزه‌کاری جوانان اقدامات کیفری اندکی داشته و محبوس کردن کودکان و افراد جوان زیر شانزده سال در آنجا چندان متداول نیست. در اسکاتلند، تا سن ۱۶ سالگی، سیستم عدالت جوانان بر روی

## نتیجه‌گیری

در سیاست تقنینی انگلستان، دامنه قابل ملاحظه‌ای از اقدامات با هدف بازدارندگی از بزه‌کاری و رفتار ضد اجتماعی جوانان وجود دارد که با ضرورت‌های تأمین مناسب نیازهای فردی و متنوع افراد جوانی - که درگیر رفتارهای بزه‌کاری و ضد اجتماعی شده‌اند - همراه بوده است. ملاحظه قوانین مصوب در این نظام حقوقی و سیاست‌های متخذه در رویه قضایی و احکام صادره، غالباً دلالت بر گرایش به تدابیر کیفری و سزادهنده (الگوی پیشگیری واکنشی کیفری) و مداخله در وضعیت‌های مجرمانه کودکان در معرض خطر بزه‌کاری (الگوی پیشگیری کنشی رشدمدار) دارد و به تدریج از سیاست‌های پیشگیری اولیه، یعنی حمایت از کودکان نیازمند و غیر کیفری، فاصله گرفته و در گزارشات دولتی منتشره خود، اولاً کودکان مجرم و کودکان در معرض خطر بزه‌کاری را در اولویت حمایت قرار داده و حمایت از کودکان نیازمند (کودکانی که مجرم نبوده و در معرض خطر بزه‌کاری قرار ندارند) جایگاه خود را از دست داده است؛ ثانیاً در این گزارشات نظر بر این دارند که بازداشت و حبس، جایگاه اصلی در کنترل بزه‌کاران جوان دارد، اما آنچه که واقعیت دارد و شواهد و مدارک موجود نشان می‌دهد، این است که پیگیری و تعقیب قانونی جوانان در انگلستان، علی‌رغم منافع موقتی و کوتاه مدت، هیچ تأثیر مفید و مثبتی در پیشگیری از بزه‌کاری نداشته است و عملاً سبب شده است که آمار کودکان بازداشتی در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی به مراتب افزایش چشم‌گیری داشته باشد، به طوری که مجازات‌های حبس از حدود ۴۰۰۰ مورد در سال ۱۹۹۲ به ۷۶۰۰ مورد در سال ۲۰۰۱ یعنی ۹۰٪ افزایش رسیده است، فلذا تجدید نظر در پاره‌ای از مقررات این نظام حقوقی در این خصوص، ضروری به نظر می‌رسد.

## References

1. Niyazpoor AH. Delinquency Prevention in the Iranian Constitution and Crime Prevention Law. *The Judiciary Law Journal* 2003; 45: 125-159. [Persian]
2. Najafiabrandabadi AH. The Prevention of Delinquency and the Local Police. *Legal Research Quarterly* 1999; 2(25-26): 129-150. [Persian]
3. Niyazpoor AH. The Measures Taken by Governmental Systems to Prevent Delinquency. *Journal of Theology and Law* 2006; 6(9): 61-87. [Persian]
4. Rigian M. A New Approach to the Basics of the Theory of Crime Prevention. *Judiciary Law Journal* 2004; 48-49: 123-168. [Persian]
5. Akbari L. The Study of the Methods for Juvenile Delinquency Prevention in the International Regulations and Documents. MA Dissertation. Tehran: Tehran University; 2001. p.135. [Persian]
6. Rajabipoor M. A. Research on the Basics of Social and Development - Oriented Prevention of Juvenile Delinquency. Tehran: Mizan; 2012. p.83. [Persian]
7. Gholami H. Recidivism. Tehran: Mizan; 2011. p.90. [Persian]
8. Beccaria C. On Crimes and Punishments. Tehran: Mizan; 2001. p.70. [Persian]
9. Najafiabrandabadi A. Fair Crime Prevention. Tehran: Samt; 2011. p.570. [Persian]
10. Ghorbani P. The Personality Record in the Prosecution of Delinquent Children and Adolescents. Tehran: Javdaneh; 2014. p.52, 59. [Persian]
11. Munic J. A New Deal for Youth? Early Intervention and Correctionalism. In: Hughes G, McLaughlin E, Muncie J. Crime Prevention and Community Safety: New Directions. London: Sage; 2002. p.257.
12. Mehra N. Edalate Keyfari Koodakan va Nojavanan. Tehran: Mizan; 2011. p.101. [Persian]
13. Eekelaar J. Beyond the welfare principle. *Child and Family Law Quarterly* 2002; 14(3): 237-249.
14. Williams G. The Criminal Responsibility of Children. *Criminal Law Review* 1954; 59(493): 493-512.
15. Cavadino M, Dignan J. The Penal System: An Introduction. 3rd ed. London: Sage; 2002. p.145.
16. Goldson B. The New Youth Justice. London: Russell House; 2000. p.65.
17. Home Office A. No More Excuses: A New Approach to Tackling Youth Crime in England and Wales. London: The Stationery Office; 1997. p.1/5, 2/2, 5/3.
18. Hollingsworth K. Judicial approaches to children's rights in youth crime. *Child and Family Law Quarterly* 2007; 19(1): 42-59.
19. Pitts J. The New Politics of Youth Crime. Basingstoke: Palgrave; 2001. p.141.
20. Mason P, Prior D. The Children's Fund and the prevention of crime and anti-social behavior. *Criminology and Criminal Justice* 2008; 8(3): 279-296.
21. United Nations Committee on the Rights of the Child, Consideration of Reports Submitted by State Parties under Article 44 of the Convention. Concluding observations: Great Britain and Northern Ireland, CRC/C/GBR/CO/4. Geneva: Committee on the Rights of the Child; 2008. p.26-27, 77.
22. McNally L. Youth Justice Board, Draft National Standards for Youth Justice. London: Youth Justice Board; 2002. p.30.
23. Home Office B. Tackling Youth Crime. London: The Stationery Office; 1997. p.5/5, 102.
24. United Kingdom Government. Convention on the Rights of the Child: Second Periodic Report to the UN Committee on the Rights of the Child by the United Kingdom. Nottingham: Department for Children, Schools and Families; 1999. p.12, 35.
25. Vaughan B. The Government of Youth: Disorder and Dependence. *Social and Legal Studies* 2000; 9(3): 347-366.
26. Hayes M. Offending Behaviour and Children Under. *Family Law* 1999; 4(10): 317-321.
27. Home Office. The Final Warning Scheme - Guidance for Youth Offending Teams. London: Home Office; 2000. p.2/5.
28. Fionda J. New Labour, Old Hat: Youth Justice and the Crime and Disorder Act 1998. *Criminal Law Review* 1999; 1: 36-47.
29. Home Office. Local Child Curfew: Guidance Documents: Working Draft. London: Home Office; 2001. p.1/5.
30. Gelsthorpe L, Morris A. Much ado about nothing - a critical comment on key provisions relating to children in the Crime and Disorder Act 1998. *Child and Family Law Quarterly* 1999; 11(3): 215.

31. Rutherford A. A Bill to be Tough on Crime. *New Law Journal* 1998; 148(1): 31-55.
32. Home Office. Antisocial Behaviour Orders: Guidance. London: Home Office; 1999. p.2/5.
33. Donoghue J. The judiciary as a primary definer on Anti-Social Behaviour Orders. *Howard Journal of Criminal Justice* 2007; 46(4): 417-430.
34. Black T. ASBOs and young people. *The Online Journal of the Law Society of Scotland* 2005. Available at: <http://www.journalonline.co.uk>. Accessed June 16, 2020.
35. Chakrabarti S. Blurring the lines between civil and criminal justice. In: Shishman B. Social Justice: Criminal Justice. London: The Smith Institute; 2006. p.23.
36. Ramsay P. The Insecurity State: Vulnerable Autonomy and the Right to Security in the Criminal Law. Oxford: Oxford University Press; 2012. p.40.
37. Ghahramani A. The Development-Oriented Prevention. *Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law* 2016; 4(2): 87-99.
38. Campbell S. Implementing Anti-social Behaviour Order: Messages from Practitioners, Home Office Finding 160. London: HMSO; 2002. p.145, 254.
39. Home Office A. Youth Justice: Preventing Offending. London: The Stationery Office; 1998. p.3/5, 32.
40. Willow C. ASBOs: not meeting children's needs. *Howard League Magazine* 2005; 23(1): 7-21.
41. Hodgkinson S, Tilley N. Policing Anti-Social Behaviour: Constraints, Dilemmas and Opportunities. *Howard Journal of Criminal Justice* 2007; 46(4): 385-400.
42. Home Office. Crime, Justice and Protecting the Public. London: The Stationery Office; 1990. p.6/2.
43. West J. Delinquency: Its Roots, Careers and Prospects. London: Heinemann; 1982. p.56.
44. Muncie J. Youth and Crime - A Critical Introduction. London: Sage; 1999. p.12.
45. Ghate D, Ramella M. Positive Parenting: The National Evaluation of the Youth Justice Board's Parenting Programme. London: Youth Justice Board; 2002. p.114.
46. Scott S, O'Connor T, Futh A. What makes parenting programmes work in disadvantaged areas?. New York: Joseph Rowntree Foundation; 2006. p.64.
47. Solomon E, Garside R. Ten years of Labour's youth justice reforms: an independent audit. London: Centre for Crime and Justice Studies; 2008. p.65.
48. Margo J, Stevens A. Make me a criminal: Preventing youth crime. London: Institute of Public Policy Research; 2008. p.5.
49. United Kingdom Children's Commissioners, Report to the United Nations Committee on the Rights of the Child. 2008. Available at: <http://www.11MILLION.org.uk>. Accessed June 16, 2020.
50. Stone N. Custodial sentences: Aims and principles in youth justice, disparity and other complexities. *Youth Justice* 2001; 1(3): 42-46.